

بازخوانی مبانی قرآنی «انقلاب اسلامی»

ابراهیم رضایی آدریانی^۱

مریم کریمی^۲

چکیده:

قرآن کریم تنها کتاب آسمانی مصون از تحریف و دستورالعمل هدایت بشر در تمامی عرصه های فردی و اجتماعی در هر زمان است. جامعیت قرآن اقتضا می کند در تمامی عرصه ها پاسخگوی نیاز بشر باشد و چنین نیز هست. یکی از مهم ترین عرصه های زندگی بشر، حاکمیت جوامع بشری است که الگوی تمام عیار آن را می توان از قرآن استنباط کرد. انقلاب اسلامی ایران از ابتدا بر مبانی قرآنی پایه گذاری شد و در ادامه مسیر نیز همواره تلاش کرده است در این چهارچوب حرکت نماید. اکنون که بسیاری از کشورهای جهان به دنبال الگوگیری از این انقلاب هستند، ضرورت تبیین جنبه های قرآنی آن به عنوان «راز ماندگاری انقلاب اسلامی» ضرورتی مضاعف دارد. این پژوهش که در چهلمین سال انقلاب اسلامی سامان می پذیرد، به دنبال واکاوی ریشه های قرآنی انقلاب است تا علاوه بر قوت قلب و تقویت اعتقاد و ارادت پیروان انقلاب اسلامی، در الگوسازی برای سایر ملت های مسلمان و آزادی خواه نیز ایفای نقش نماید. بر این اساس در دو بخش مبانی عام (موضع قرآن کریم در خصوص تشکیل حکومت صالحان) و مبانی خاص (ریشه های قرآنی انقلاب اسلامی ایران) بر مبانی مهمی همچون برقراری عدالت اجتماعی، اولویت حکومت صالحان، لزوم داوطلب شدن صالحان برای حکومت، پیشگیری از تسلط کفار بر مسلمانان، لزوم اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، و ممنوعیت حکومت ظالمان تأکید شده است.

واژه های کلیدی: قرآن، انقلاب اسلامی، مبانی قرآنی، امام خمینی، حکومت اسلامی.



^۱. عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی اصفهان erezaei@ymail.com

^۲. دانش آموخته سطح سه تفسیر و علوم قرآنی؛ مرکز تخصصی حوزه علمیه خاوران.

مقدمه:

مفهوم «انقلاب» از جمله اموری است که ریشه قرآنی دارد، به طوری که می توان رویکرد تمامی آیات قرآن را آیات انقلابی دانست؛ چرا که به دنبال ایجاد تحول در آدمی و در جامعه انسانی است.

انقلاب اسلامی ایران که از سال ۱۳۴۱ ه.ش به رهبری امام خمینی آغاز و در بیست و دوم بهمن سال ۱۳۵۷ ه.ش به پیروزی رسید، از ابتدا بر مبانی اساسی و مهمی آن بنا گشته است که یکی از این مبانی که نقش پررنگ تری در ایجاد انقلاب داشته، قرآن است و انقلاب اسلامی ایران نتیجه ی عمل به این کتاب آسمانی است که برای هدایت بشر در اختیار او قرار گرفته است.

از این رو بررسی این موضوع حائز اهمیت است؛ چرا که با شناخت مبانی قرآنی انقلاب اسلامی که مهم ترین پایه و اساس شکل گیری انقلاب است، جایگاه بالای انقلاب مشخص می شود که این امر اثراتی در داخل و خارج از کشور به دنبال دارد.

در داخل کشور از یک طرف باعث آشنایی نسل جوان با ماهیت انقلاب شده و از طرفی دیگر اعتقاد و ارادت پیروان انقلاب و اسلام بیشتر می شود. در خارج از کشور نیز در الگوسازی برای سایر ملت های مسلمان و آزادی خواه می تواند ایفای نقش نماید.

در این مقاله سعی شده با روش کتابخانه ای و فیش برداری و تتبع در کتب و استفاده از آیات نورانی قرآن مبانی خاص و عام قرآنی روشن گردد تا در نهایت نگرشی که قرآن در این زمینه دارد، آشکار شود.

الف: مفهوم شناسی:

پیش از ورود به اصل بحث، آشنایی با برخی اصطلاحات مهم و مرتبط با بحث، ضرورت دارد:

۱- انقلاب:

۱-۱ معنای لغوی:

انقلاب به معنای برگرداندن و وارونه نمودن چیزی از حالی به حالی دیگر^۳، تغییر و تبدیل^۴. تحول و دگرگون شدن است که این تحول می تواند در امور مادی، معنوی، زمانی، مکانی، حالتی، صفتی یا موضوع باشد.^۵

۱-۲ معنای اصطلاحی:

انقلاب در اصطلاح رایج به معنای شورش عده ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی

^۳ مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۲۳۶

^۴ تاج العروس؛ ج ۲، ص ۳۳۶. و نیز رک لسان العرب؛ ج ۱؛ ص ۶۸۵

^۵ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص: ۳۳۶

جدید با هدف تغییرات اساسی و بنیادی در تمام ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه و جایگزین کردن ساختاری جدید در چهار چوب اهداف و آرمان های خاص می باشد.

۲- انقلاب اسلامی:

انقلاب اسلامی در واقع تغییر بنیادین در جامعه بر اساس قوانین اسلام است که توسط مسلمانان و با هدف اجرایی شدن و تحقق پیدا کردن ارزشها و هنجارهای اسلامی در جامعه می باشد.^۷ البته باید در نظر داشت که انقلاب اسلامی با اسلام انقلابی متفاوت است؛ چرا که در اسلام انقلابی مبارزه و انقلاب هدف اصلی است.

معتقدان نگرش اسلام انقلابی بر این باورند که، یک مسلمان همیشه باید در حال جهاد و مبارزه باشد. از این رو هرچه از دستاوردهای اسلامی که انسان را در مسیر مبارزه قرار می دهد، قبول و هر چه از قوانین اسلامی که انسان را از مسیر مبارزه دور کند، طرد می کنند. ولی در انقلاب اسلامی آن چه که هدف غایی محسوب می شود، اسلام و ارزش های اسلامی است و انقلاب تنها راه و وسیله ای، برای اجرای ارزش های اسلامی می باشد.^۸

۳- مبانی:

مبانی از بنی گرفته شده و به معنای بناساختن^۹، پدید آمدن بنا و ساختاری بر هیئتی خاص با ضمیمه کردن اجزا و موادی به یکدیگر^{۱۰}. اساس، بنیاد و بنیان یک شیء^{۱۱} می باشد.

در بنا کردن مانند خلق کردن، شیء جدیدی ایجاد می شود، با این تفاوت که، خلق ایجاد شیء از عدم است، ولی در بنا ضمیمه کردن اجزا و موادی است که قبلا موجود بوده است و ایجاد شیء از عدم نمی باشد^{۱۲}.

۴- حکومت دینی

۴-۱ معنای لغوی:

^۶ دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۶۲

^۷ دانسته ها و ندانسته های یک انقلاب، ص ۱۸

^۸ مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۴۵

^۹ قاموس قرآن، ج ۱؛ ص ۲۳۲

^{۱۰} التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص: ۳۷۱ و نیز رک معجم مقاییس اللغه؛ ج ۱؛ ص ۳۰۲

^{۱۱} فرهنگ فارسی معین، ج ۳، ص ۳۷۷

^{۱۲} التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص: ۳۷۱۰

حکومت به معنای قضاوت کردن^{۱۳}، منع و بازداشتن برای اصلاح^{۱۴} است و به ایجاد کننده امر و نهی نیز اطلاق می شود^{۱۵}.

۲-۴ معنای اصلاحی:

حکومت دینی حکومتی است که علاوه بر اینکه تمامی قوانین و مقررات آن برگرفته از اسلام است، مجریان آن نیز به اذن خاص یا عام از طرف خدا منسوب شده اند، که چنین حکومتی دینی و الهی است؛ چرا که پشتوانه آن حکم الهی است.

از این رو حکومت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم و حکومت ولی فقیه جامع الشرایط حکومت دینی مطلوب محسوب می شود^{۱۶}.

ب: پیشینه:

انقلاب از جمله اموری است که ریشه قرآنی دارد، به طوری که می توان تمامی آیات قرآن را آیات انقلابی دانست؛ چرا که به دنبال ایجاد تحول در آدمی و در جامعه انسانی است و هدف اصلی آن هدایت انسان ها به کمال می باشد.

در قرآن واژه انقلاب به کار نرفته است ولی مشتقات آن که ۱۰ مورد است در آن آمده است و در تمامی این آیات معنای انقلاب که تغییر و تحول و دگرگونی است مورد توجه بوده است.

که گاهی این دگرگونی بار مثبت و رسیدن به کمال را به همراه دارد:

"فَعَلَبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ"^{۱۷}

عاقبت فرعونیان در آنجا مغلوب شده و خوار و سرشکسته بازگشتند.

و گاه بار منفی و به معنای بازگشت به عقب و انحطاط است.

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ"^{۱۸}

محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) جز یک پیامبر نیست که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و درگذشتند، آیا اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت شما باز به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ پس

^{۱۳} تاج العروس؛ ج ۱۶؛ ص ۱۶۰

^{۱۴} المصباح المنیر، ص ۱۴۵

^{۱۵} التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص: ۳۰۹

^{۱۶} نظام سیاسی اسلام، ص ۱۷۰

^{۱۷} اعراف، ۱۱۹

^{۱۸} آل عمران، ۱۴۴

هر که مرتد شود به خدا ضرری نخواهد رسانید، و البته خدا جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطا کن. حال پیامبر اسلام به عنوان آورنده قران کلام الهی و به منظور تحقق خواسته خای جاودانه بشری یعنی آزادی، عدالت، مساوات، اخلاق، رشد و کرامت انسانی و برانداختن ظلم و فساد در جامعه، اولین کسی بود که در جامعه انقلاب کرد و حکومت دینی تشکیل داد.

اما پس از آن سید جمال الدین اسد آبادی را می توان بنیانگذار اندیشه انقلاب اسلامی در جهان اسلام و در ایران دانست؛ چرا که او به دنبال تغییرات بنیادی و اساسی در زندگی مردم و احیای اسلام اصیل و بهرمندی از علوم و فنون جدید در چهار چوب قوانین اسلامی بود و نهضت وی تمام خصوصیات یک انقلاب واقعی را داشت. کتاب ها و مقالات زیادی درباره انقلاب اسلامی نگاشته شده است از جمله:

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) از مریم السادات حسینی

دستاوردهای بین المللی انقلاب اسلامی از علی مرتضوی امامی زواره

ریشه های انقلاب ایران ترجمه: عبدالرحیم گواهی

انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ: بیداری اسلامی در بهار عربی از حسین کچویان

نظام سیاسی اسلام از محمد جواد نوروزی

پیرامون انقلاب اسلامی از مرتضی مطهری

آینده انقلاب اسلامی ایران از مرتضی مطهری

دانسته ها و ندانسته های یک انقلاب از محسن نصری

مقاله: انقلاب اسلامی ایران (انقلابهای جهان) از جمشید برزگر

مقاله: دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران از علی اصغر نصیری

در تمامی آثار ارزنده فوق، به مبانی، سیاست ها، دستاوردها و خط مشی انقلاب اسلامی پرداخته شده است. اما نوآوری پژوهش حاضر، تبیین مبانی قرآنی انقلاب اسلامی و استخراج زیربنای انقلاب از کلام وحی است. ج: ضرورت بازنگری مبانی:

ضرورت باز نگری مبانی انقلاب اسلامی و شناختن ماهیت انقلاب می تواند از آن جهت باشد که، نگه- داشتن یک موهبت از به دست آوردن آن مشکل تر است. از این رو انقلاب ایجاد کردن از انقلاب نگه داشتن آسانتر است و تنها با شناختن ارکان و مبانی انقلاب و تحلیل کردن آن است که می توان این راه الهی را ادامه و انقلاب را از توطئه ها حفظ کرد.

در انقلاب هایی که در جهان ایجاد شده از جمله انقلاب اسلامی ایران، به وضوح می بینیم که آن نشاط و شور و قدرتی که در ابتدای ایجاد انقلاب در میان تمامی ارکان انقلاب موج می زد، شور و هیجانی که ارده مردم را جهت سرنگونی حکومتی فاسد چند برابر کرد، تا حدودی کم رنگ شده است، که با شناساندن ماهیت و

مبانی انقلاب به نسل جوان و مرور این امور برای آحاد مردم می توان انقلاب را تداوم بخشید.^{۱۹}

د: مبانی عام قرآنی

روش قرآن کریم در فرهنگ سازی و تحول آفرینی، بیان مسائل اساسی و زیربنایی در کنار جزییات است. قواعد کلی می توانند مصادیق متعدد را شامل شوند و در قید زمان و مکان نیز نیستند. در خصوص انقلاب و حکومت اسلامی نیز برخی مبانی عام و کلی می توان از قرآن استخراج کرد که در هر جامعه ای می تواند محقق شود. مهم ترین این مبانی عبارتند از:

یک. تشکیل حکومت از منظر قرآن:

بررسی آیات مربوط به وجوب اطاعت از ولی امر، اجرای احکام های مختلف دینی در جامعه از جمله وجوب اجرای حدود، وجوب تهیه قوای نظامی برای جنگ با دشمنان خدا و احکام مربوط به قضاوت. نشان گر این است که برپایی حکومت اسلامی در جامعه امری بدیهی و غیر قابل انکار است و هر انسان عاقلی به این اینکه اجرای احکام در جامعه، متوقف بر وجود حکومت است، حکم می کند. در قرآن آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعْمًا يَعِظُكُم بِهٖ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»^{۲۰}

براستی خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهلش رد کنید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد بدرستی که خدا، شنوای بیناست.

کتاب های آسمانی بیانگر آیات خدا و معارف الهیه است، که این امانتی است که خدای تعالی به اهل هر کتابی سپرده و از آنان میثاق گرفته که به گوش مردم برسانند، و از اهلش کتمان نکنند. ولی یهود به امانت های الهیه که به دستشان سپرده شده بود خیانت کردند و با علم به این که دین خدا توحید است و این همان دینی است که پیامبر اسلام بدان دعوت می کند، نشانه های رسالت وی را که به عنوان امانت دست ایشان بود و باید به مردم اعلام می کردند، کتمان نمودند و علاوه بر در داوری بین مؤمنین و مشرکین حکم را به نفع مشرکین داد، دین بت پرستی را بهتر از دین توحید قلمداد نمودند.^{۲۱}

پس با توجه به این آیه تشکیل حکومت امری ضروری است و باید اجرا کننده احکام الهی افرادی باشند که در امانت خیانت نکرده و عدالت را اجرا کنند.

دو. ارسال رسل، مقدمه برقراری عدالت اجتماعی

خدای سبحان یکی از مهم ترین دستاوردهای بعثت پیامبران را چنین تبیین می کند:

^{۱۹} مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۳

^{۲۰} نساء/آیه ۵۸

^{۲۱} المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۷۸

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۚ ۲۲»

همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند.

این آیه بیانگر این است که، خداوند با ارسال رسل و فرستادن کتاب و میزان دین را برای مردم تشریح نموده با این غرض که، هم مردم به قسط و عدالت رفتار کنند و هم مورد آزمایش الهی قرار گیرند و مشخص شود که چه کسی خدای را یاری می‌کند و چه کسی از یاری سر باز می‌زند، و نیز بیان کند که امر رسالت از آغاز خلقت پیوسته در بشر جریان داشته و به طور مداوم از هر امتی جمعی هدایت یافته و بسیاری فاسق شده‌اند.

درباره واژه میزان که خداوند آن را با کتاب نازل کرده، دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: میزان همان ترازو که دارای دو کفه است و سنگینی‌ها را با آن می‌سنجند و آیه بیانگر این است که ما ترازو را نازل کردیم تا مردم در معاملات عدالت را رعایت کنند و اهمیت این مسئله از آن جایی است که، انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و برای برطرف کردن نیازهای خود ناچار است که با دیگران ارتباط داشته باشد و با آن‌ها معامله و مبادله انجام دهد، که قوام معاملات و مبادلات در خصوص کالاهایی که باید وزن شود به این است که نسبت میان آنها محفوظ شود، که با ترازو این سنجش انجام می‌شود.

احتمال دوم: مراد از میزان دین است، چون دین عبارت است از چیزی که عقاید و اعمال اشخاص با آن سنجیده می‌شود و این سنجش هم مایه قوام زندگی سعیده انسان اجتماعی و انفرادی است. البته این معنا با سیاق آیه متعرض حال مردم از حیث خشوع و قساوت قلب و جدیت و سهل‌انگاریشان در امر دین است، سازگارتر می‌باشد.

بر اساس این آیه شریفه که در مدینه نازل شده، فرستادن پیامبران، ارائه معجزات و نزول کتاب‌های آسمانی، همگی مقدمه برقراری عدالت اجتماعی است تا در سایه این امور حکومت اسلامی در جامعه تشکیل شود.^{۲۳}

سه. اولویت حکومت صالحان

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۚ ۲۴»

آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود، مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داور می‌کنید؟
در این آیه، یک نوع تنبه و دعوت به تفکر و مراجعه به وجدان خود انسان است که هر کس اگر به وجدان خود

^{۲۲} حدید، آیه ۲۵

^{۲۳} میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۷۱

^{۲۴} یونس/ آیه ۳۵

مراجعه کند، خواهد یافت که کدام یک از افراد جامعه استحقاق رهبری جامعه را دارد؛ آیا انسان های نمونه و آگاه و حق طلب و سمبل راهنمایی به راه حق، برای رهبری و هدایت جامعه، بهتر و لایق تر هستند یا آن ها که در گرداب مادیات غرق و در جهل خود غوطه ور شده و از حق سرپیچی می کنند شایسته رهبری هستند؟

چهار. حکومت، حق انبیاء الهی

«یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ۲۵»

آیاتی که درباره خلیفه الهی صحبت کرده، نشان دهنده این است که حکومت باید در اختیار کسانی باشد که صفات و اعمال مستخلف را نشان دهد و آینه صفات او باشد. پس در نتیجه خلیفه خدا در زمین باید متخلق به اخلاق خدا باشد، و آنچه خدا اراده می کند او اراده کند، و آنچه خدا حکم می کند او همان را حکم کند و چون خدا همواره به حق حکم می کند او نیز جز به حق حکم نکند

آوردن "فا" بر سر جمله "فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ" بیان کنند این است که، حکم به حق کردن نتیجه و فرع خلافت و حکومت می باشد و نیز تصدیق کنند این امر است که، «جعل خلافت» این نیست که شانیت و مقام خلافت به او داده بلکه مراد این است که شانیتی را به فعلیت برساند و عرصه بروز و ظهور آن را به او بدهد.^{۲۶}

پس تعبیر قرآن در مورد جانشین ساختن داود و نیز حضرت آدم در زمین نشان می دهد که حکومت بر زمین باید از حکومت الهی سرچشمه گیرد، چنان که امام خمینی ره نیز می فرماید: قرآن کتاب حکومت است.

پنج. لزوم داوطلب شدن صالحان برای حکومت:

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ * وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۲۷

یوسف گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم این گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم که هر جا می خواست در آن منزل می گزید (و تصرف می کرد). ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم می بخشیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم. حضرت یوسف خود به پادشاه مصر پیشنهاد داد که ایشان را برای تصدی مسؤولیت انتخاب کند. زیرا ایشان هم حفیظ بود؛ یعنی مال مردم را از حیف و میل اغیار حفظ می کرد، و نمی گذاشت ناعدالتی برقرار شود و هم علیم (آگاه) بود. یعنی درباره مدیریت جامعه آگاهی کامل داشت و نیازهای جامعه را خوب درک می کرد. از این آیه فهمیده می شود افراد صالح وظیفه دارند در صورت مهیا بودن شرایط، برای اداره جامعه اقدام کنند و

^{۲۵} ص، آیه ۲۶

^{۲۶} المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۹۵

^{۲۷} یوسف، آیات ۵۵ و ۵۶

داوطلب شوند.

شش. اعتلای نام خدا در جهان

خدای سبحان در سوره توبه می فرماید:

«كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۲۸»

تنها گفتار (و برنامه) خدا والاست.

این آیه درصدد بیان این مطلب است که، کلمه خدا والا و منصور است بی آنکه کسی آن را والایی مقام

داده باشد و کلمه الله همان یعنی دین، شرع و رسول اوست. پس خداوند به اسلام و مسلمین را عزت بخشید.^{۲۹}

و. مبانی خاص قرآنی

گذشته از مبانی عام که به طور کلی بر لزوم تشکیل حکومت توسط مؤمنان دلالت داشت، برخی آیات قرآن به طور ملموس تری بر شرایط چهار دهه قبل جامعه ایران قابل انطباق است و بازخوانی این آموزه های قرآنی می تواند مشروعیت نظام اسلامی را تبیین نماید:

یک. پیشگیری از تسلط کفار بر مسلمانان

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً ۳۰

خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است.

این آیه یکی از احکام الهی رایبان می کند و آن اینکه از زمان نزول آیه تا ابد در دنیا مومنان بر کفار پیروزند و کافران هیچ گاه بر مومنان مسلط نخواهند شد.

این احتمال هم وجود دارد که چون نفی سبیل «نکره در سیاق نفی» است عام باشد، یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا و نه در آخرت مسلط بر مؤمنین نمی شوند و مؤمنین به اذن خدا دائماً غالبند، البته ما دام که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند.^{۳۱}

^{۲۸} توبه، ۴۰.

^{۲۹} مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۹۸ و نیز رک به: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۵

^{۳۰} نساء، آیه ۱۴۱

^{۳۱} المیزان/ج ۵ ص ۱۱۶ و نیز رک به الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۷، ص ۳۹۲

پس از آیه استفاده می شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر نباید بر افراد با ایمان، مسلط شوند.

دو. لزوم اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ۳۲
باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و آن‌ها همان رستگارانند.

از این آیه به خوبی «لزوم برپایی حکومت اسلامی» استفاده می‌شود؛ چون بدون یک حکومت صالح و عدالت‌مدار، نمی‌توان امر به معروف و نهی از منکر انجام داد

سه. ویژگی های حاکم الهی

در ماجرای برگزیدن حضرت طالوت به عنوان جانشین یکی از پیامبران الهی، اشارات لطیفی به مسأله حکومت الهی وجود دارد:

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۳۳»

در این آیه چند نکته قابل توجه است:

اول این که گر چه مردم از پیامبر تقاضای تعیین جانشین کردند اما چنین جواب شنیدند: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ». یعنی حق حاکمیت فقط مال خدا است.

دوم این که این حاکمیت بر اساس لیاقت، تقوا و علم است، نه با زور و قدرت و مال فراوان، در نتیجه، آگاهان باید حاکم باشند نه ظالمین و جاهلین.

لذا در صورت نبودن معصوم، لیاقت رهبری جامعه بر دوش علمای صالح و متقی گذاشته شده است.

چهار. ممنوعیت حکومت ظالمان

خدای سبحان در سوره بقره و خطاب به حضرت ابراهیم ع چنین می فرماید:

«قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ۳۴»

استدلالی که از: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» برای اینکه حکومت و رهبری به ظالمان نمی رسد می توان این گونه بیان کرد:

• ظالمان اهلیت و شایستگی امامت را ندارند.

• امامت و رهبری به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی به غیر ظالمان نمی رسد.

۳۲ آل عمران، آیه ۱۰۴

۳۳ بقره، آیه ۲۴۷

۳۴ بقره، آیه ۱۲۴

*پس در نتیجه رهبری و امامت به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی به ظالم و به غیر ظالم با داشتن شایستگی لازم می رسد و آن ها افرادی هستند که که از طرف خدا به عنوان امام انتخاب شده باشند^{۳۵}.
 از این آیه، به خوبی استفاده می شود که رهبری یک جامعه به افراد ظالم و بی تقوا محول نمی شود. لذا این آیه، واضح البطلان بودن نظریه استیلا را به خوبی نشان می دهد؛ چون نظریه استیلا می گوید: اگر کسی با زور و کودتا از یک حاکم دیگر، قدرت را به دست گرفت و آن را سرنگون کرد و خودش زمامدار جامعه شد، اطاعت از این حاکم لازم و ضروری است؛ چون او اولی الامر است.
 در روایتی از ابی جعفر (علیه السلام) آمده است:

«سخن خداوند در مورد «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» بیانگر این است که امام و رهبر ظالم نمی-

باشد^{۳۶}».

پنج. ذلت ناپذیری:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ^{۳۷}»

این آیه عزت و بزرگی را تنها منحصر در خدا، رسول خدا و مومنان کرده است، که با توجه به آیه عزت و ذلت ناپذیری از ویژگی مومنان است. از این رو مومنان هیچ گاه تحت حکومت ظالمان و کافران قرار نمی گیرند، بلکه حکومت تنها شایسته آن ها است. در حدیثی از ابی جعفر (علیه السلام) آمده است:

«خداوند به مومن سه خصلت داده است: عزت در دنیا، فلاح و رستگاری در آخرت و هیبت در قلوب ظالمین؛ سپس امام باقر ع آیه وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ را تلاوت کردند.^{۳۸}»



^{۳۵} الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲، ص ۱۳۰

^{۳۶} تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲، ص ۱۳۹

^{۳۷} منافقون، آیه ۸

^{۳۸} تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳۶

نتیجه:

انقلاب اسلامی ایران بر مبانی قرآنی مبانی چون، ذلت ناپذیری، ممنوعیت حکومت ظالمان، لزوم اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، پیشگیری از تسلط کفار بر مسلمانان، اعتلای نام خدا در جهان، لزوم داوطلب شدن صالحان برای حکومت استوار است. که همگی بیان کننده این است که حکومت باید در دست کسانی قرار گیرد که دین را بشناسند و علاوه بر این در جامعه ان را اجرا کنند و در مقابل حکومت ظالمان و کفار با انگیزه الهی و به منظور تحقق بخشیدن دین خدا قیام کرده و حکومتی الهی تشکیل دهند و در این راه از تعداد و قدرت دشمنان نهراسند؛ چرا که دین و پیروان دین الهی هیچ گاه مغلوب دشمنان و کافران نخواهند شد و همواره پیروزند و این وعده الهی است..



منابع

*قران کریم

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ: سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق
- ۲- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ: اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- ۳- خرمشاهی، بهاءالدین، دایرةالمعارف تشیع، چاپ: اول، تهران، حکمت، ۱۴۳۳ق/۱۳۹۱ش.
- ۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، چاپ: دوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
- ۵- زبیدی، مرتضی، تاج العروس، چاپ: اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق.
- ۶- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ: دوم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش
- ۷- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: رضا ستوده، چاپ: اول، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.
- ۹- عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق
- ۱۰- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ: دوم، ۱۴۱۴، قم، ه. ق.
- ۱۱- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ: ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- ۱۲- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- ۱۳- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ: سوم، بیروت- قاهره- لندن، دار الکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰ق

۱۴- مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۱۵- نصری، محسن، دانسته ها و ندانسته های یک انقلاب، اصفهان، حدیث راه عشق، چاپ دوم، ۱۳۸۸،

۱۶- نوروزی، محمدجواد، نظام سیاسی اسلام، چاپ: پنجم، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.

